

دعای علقمه: سایت مینویسم

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا مُحِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا كَاسِفَ كُربِ الْمَكْرُوبِينَ
يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغْيَثِينَ

ای خدا ای خدا ای مستجاب کننده دعا بیچارگان و ای برطرف
کن غم و اندوه پریشان خاطران ای دادرس دادخواهان

يَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ (و) يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيْيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ
و ای فریادرس فریادخواهان و ای آنکه تو از رگ من به من نزدیکتری

(و) يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ (و) يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَ بِالْأَفْقِ
الْمُبِينِ

ای آنکه بین شخص و قلب او حاصل می شوی ای آنکه ذات در منظره
بلند است و وجودت در افق روشن است

(و) يَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (و) يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ
الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ

ای آنکه او منحرا بخشاینده و مهربان و بر عرش مستقر است ای آنکه
نظر چشم آنان که به خیانت نگرد و آنچه در دلها پنهان دارند همه را
می دانی

(و) يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ يَا مَنْ لَا تَشْتَبِيهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ
ای آنکه هیچ امر مستور و سر مخفی بر تو پنهان نیست ای آنکه اصوات
بر تو مشتبه نخواهد شد

(و) يَا مَنْ لَا تُغْلِطُهُ (تُغَلِّطُهُ) الْحَاجَاتُ (و) يَا مَنْ لَا يُبَرِّمُهُ إِلْحَاجُ الْمُلِحِينَ
و حاجات تو را به اشتباه نیفکند و ای کسی که الحاج و التماس تو را
رنج و ملال ندهد

يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ (و) يَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ (و) يَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ
ای مدرک هر چه فوت شود و ای جمع آرنده هر چه در جهان متفرق و
پریشان شود ای برانگیزنده جانها پس از موت

يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ يَا قَاضِي الْحَاجَاتِ يَا مُنَفِّسَ الْكُرْبَاتِ يَا
مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ

ای آنکه تو را در هر روز شأن خاصی است ای برآورنده حاجات ای
برطرف ساز غم و رنجها ای عطا بخش سؤالات

يَا وَلِيَ الرَّغَبَاتِ يَا كَافِيَ الْمُهَمَّاتِ
ای مالک رغبت و اشتیاقات ای کفايت کننده مهمات خلائق

يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ
ای کسی که تو به تنها ی کفايت از همه می کنی و هیچ چیز در
آسمان و زمین از تو کفايت نمی کند

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ
بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ

از تو درخواست می کنم به حق محمد خاتم پیغمبران و به حق علی
امیر اهل ایمان و به حق فاطمه دخت پیغمبرت و به حق حسن و
حسین

فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ
که من بوسیله آن بزرگواران به درگاه حضرت رو آورده ام در این مقام و
به آنها تسل جسته و آنان را به درگاهت شفیع می آورم

وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعْزِمُ عَلَيْكَ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَ
بِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ

و به حق آن پاکان از تو مسئلت می کنم و قسم و سوگند به جد یاد
می کنم بر تو و به شان و مقامی که آن بزرگواران را نزد توست و به قدر
و منزلتشان نزد تو

وَبِالَّذِي فَضَّلَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلَتْهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ
خَصَّصَتْهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ

و به آن سر حقیقتی که موجب افضلیت آنها بر عالمیان گردید و به آن
اسم خاصی که تو نزد آنها قرار دادی از همه خلق به آنها اختصاص
دادی

وَبِهِ أَبْنَتَهُمْ وَأَبْنَتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ حَتَّى فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ
الْعَالَمِينَ جَمِيعاً

تا آنکه فضل و کمال آنان برتر از تمام عالمیان گردید

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّيَ وَ
هَمِّي وَكَرْبِي

(به این امور تو را قسم می دهم) و از تو درخواست می کنم که درود
فرستی بر محمد و آل محمد و هم و غم و رنج مرا برطرف سازی

وَتَكْفِينِي الْمُهِمَّ مِنْ أُمُورِي وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي
و مهمات امورم را کفایت فرمایی و دینم را ادا سازی

وَتُحِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ وَتُحِيرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ وَتُعْنِينِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَى
الْمَخْلُوقِينَ

و از فقر و مسکنتم نجات دهی و مرا از سؤال از خلق به لطف و کرمت
بی نیاز گردانی

وَتَكْفِينِي هَمَّ مِنْ أَخَافُ هَمَّهُ وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ وَحُزُونَةَ مَنْ
أَخَافُ حُزُونَتَهُ

و مرا کفایت کنی از هر هم و غمی که از آن می ترسم و از هر مشکل
و خشونت هر که خایفم

وَشَرَّ مَنْ (مَا) أَخَافُ شَرَّهُ وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ وَبَغْيَ مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ
و از هر شر اشراری که ترسانم و از مکر و ظلم و جور کسانی که
خوفناکم

وَجَوَرَ مَنْ أَخَافُ جَوَرَهُ وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ وَكَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ
و از تسلط و خدعا و کید و اقتدار کسانی که از آنها خائفم بر خود

وَ مَقْدُرَةَ مَنْ أَخَافُ (بَلَاء) مَقْدُرَتُهُ عَلَيَّ وَ تَرْدَ عَنِي كَيْدَ الْكَيْدَةِ وَ مَكْرَ الْمَكَرَةِ

از همه مرا حفظ و کفايت فرمائی و کید و خدعاه حیلت گران و مکر
مکاران را از من بگردانی

اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي فَأَرِدْهُ وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ

پروردگارا هر کس با من اراده شری دارد شرش را به خود او برگردان

وَ اصْرِفْ عَنِي كَيْدَهُ وَ مَكْرَهُ وَ بَأْسَهُ وَ أَمَانِيَّهُ وَ امْنَعْهُ عَنِي كَيْفَ شِئْتَ وَ
أَنَّى شِئْتَ

و هر که با من قصد خدعاه و فریب دارد آرزو و فریب و آسیب او را از من
برطرف ساز و به هر طریق و به هرگاه می خواهی آزارش را از من منع
فرما

اللَّهُمَّ اشْغَلُهُ عَنِي بِقُرْ لَا تَجْبُرُهُ وَ بِبَلَاء لَا تَسْتُرُهُ وَ بِقَاقَةٍ لَا تَسْدُهَا
پروردگارا تو از فکر آزار من او را به فقر و مسکنت و بلا و مصیبت دائمی
که برطرف ابدا از او نگردانی

وَ بِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ وَ ذُلِّ لَا تُعِزُّهُ وَ بِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا

و به دردی که عافیت نبخشی مشغولش گردان و به ذلت ابدی و فقر و
مسکنت همیشگی که هیچ جبران نکنی گرفتار ساز

اللَّهُمَّ اصْرِبْ بِالذُّلُّ نَصْبَ عَيْنِيهِ وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ وَ
السُّقْمَ فِي بَدِينِهِ

پوردگارا ذلت نفس را نصب العین او گردانو فقر و احتیاج را به منزل او
داخل ساز و درد و مرض را به بدن او جای ده

حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ وَأَنْسِيهِ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ
ذِكْرَكَ

تا او را از من همیشه مشغول درد و الم و فقر خودش گردانی و مرا از
یاد او ببر چنانکه یاد خود را از خاطرش بردي

وَ حُذْ عَنِي بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ رِجْلِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَمِيعِ جَوَارِحِهِ
و آن دشمن مرا تو به کرمت گوش و چشم و زبان و دست و پا و قلب و
جمیع اعضایش را از آزار و اذیت به من منع فرما

وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمَ وَ لَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ
شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِي وَ عَنْ ذِكْرِي

و دردی به تمام این اعضاء و جوارحش مسلط فرما که ابدا شفا
نبخشی تا از من مشغول شود و یاد من از خاطرش برود

وَ اكْفِنِي يَا كَافِيَ مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِيَ سِوَاكَ وَ مُفَرِّجُ
لَا مُفَرِّجَ سِوَاكَ

و مهمات مرا کفايت فرما ای کافی مهماتی که غیر تو احدی آن مهمات
را کفايت نتواند کرد که همانا تویی کفايت کننده در عالم و جز تو کفايت
کننده‌ای نیست و فرج و گشایش امور منحصر به توست و غیر تو نیست

وَ مُعِيْثٌ لَا مُعِيْثَ سِوَالَكَ وَ جَارٌ لَا جَارَ سِوَالَكَ
و فریادرس خلق تویی و غیر تو نیست و پناه بیچارگان تویی و غیر تو
نیست

خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَالَكَ وَ مُعِيْثُهُ سِوَالَكَ وَ مَفْزَعُهُ إِلَى سِوَالَكَ
هر کس به جوار غیر تو پناه برد و فریادرسی جز تو طلب و زاری به درگاه
غیر تو کرد

وَ مَهْرَبُهُ (إِلَى سِوَالَكَ) وَ مَلْجَوْهُ إِلَى غَيْرِكَ (سِوَالَكَ) وَ مَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ
غَيْرِكَ

و ملجاً و پناهی غیر تو جست و نجات بخشی ماسوای تو از مخلوق
طلب کرد محروم و نامید گشت

فَأَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي وَ مَفْزَعِي وَ مَهْرَبِي وَ مَلْجَئِي وَ مَنْجَائِي
پس تویی ای خدا اعتماد و امید من و محل زاری و پناه و ملجاً و نجات
بخش من

فِيْكَ أَسْتَفْتِحُ وَ بِكَ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَ أَتَوَسَّلُ وَ
أَتَشَفَّعُ

که به لطف تو گشایش و فیروزی می طلبم و بوسیله محمد و آل محمد
(ص) بدرگاه تو روی می آورم و توسل و شفاعت می جویم

فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ
أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ

پس از تو منحصرا درخواست می کنم ای خدا ای خدا و تو را
شکر و ستایش می کنم و به درگاه تو به شکوه و ناله و زاری می آیم و
از تو یار و یاور می طلبم

فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّي عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

باز از تو تنها مسئلت می کنم ای خدا ای خدا به حق محمد و
آل محمد که درود فرستی بر محمد و آل اطهارش

وَأَنْ تَكْشِيفَ عَنِّي غَمّي وَهَمّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا
و از من هم و غم و رنج و پریشانیم را برطرف سازی در همین جا که
اقامت دارم

كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَيْكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفِيَّتُهُ هَوْلَ عَدُوَّهِ
چنانکه هم و غم و رنج پیغمبرت را هم تو برطرف فرمودی و از هول و
هراس دشمنش کفایت کردی

فَاكْشِيفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَاكْفِني كَمَا
كَفِيَّتُهُ

پس از من برطرف ساز چنانکه از آن حضرت برطرف ساختی و به من
فرج و گشایش بخش چنانکه به او بخشیدی و امورم کفایت فرما
چنانکه از او کفایت فرمودی

(وَاصْرِفْ عَنِّي) هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ وَمَئُونَةً مَا أَخَافُ مَئُونَةً

و هر چه از آن هراسانم تو برطرف گردان و از من آنچه که از مشقت و
زحمتیش ترسانم

و هَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ بِلَا مَئُونَةٍ عَلَى نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ
و آنچه از او اندوهناک و پریشان خاطرم بدون تحمل مشقت من تو از من
کفايت فرما

و اصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي وَ كِفَائِيَةً مَا أَهَمَّنِي هَمَّهُ مِنْ أَمْرٍ آخِرَتِي وَ
دُنْيَايِي

و مرا برآورده حاجت از اينجا بازگردان و مهمات امور دنيا و آخرتم را
کفايت فرما

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (وَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ) عَلَيْكَ (عَلَيْكُمَا) مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا
(مَا بَقِيَتُ) وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

ای امير المؤمنين و ای ابا عبد الله الحسين سلام و تحیت خدا از من بر
تو باد هميشه تا من باقيم و تا ليل و نهار باقی است

و لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا وَ لَا فَرَقَ اللَّهُ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمَا
و خدا اين زيارت مرا آخر عهد من در زيارت شما قرار ندهد و هرگز ميان
من و شما خدا جدائی نيفكند

اللَّهُمَّ أَحِينِي حَيَاةً مُحَمَّدًا وَ دُرِّيَّتِهِ وَ أَمِنِنِي مَمَاتَهُمْ وَ تَوَقَّنِي عَلَى مِلْتَهُمْ
پروردگارا مرا به طريق حیوة محمد و آل محمد زنده بدار و به طريق آنان
بمیران و بر ملت و شريعتشان قبض روحمن فرما

وَاحْسِرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرَفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي
الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ

و در زمرة آن بزرگواران محسورم گردان و طرفه العينی تا ابد در دنیا و
آخرت میان من و آنها جدایی میفکن

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا وَ مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ
رَبِّكُمَا

ای امیر المؤمنین و ابا عبد الله من آدمد به زیارت شما و برای توسل
بسوی خدا پروردگار من و شما

وَ مُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا وَ مُسْتَشْفِعًا (بِكُمَا) إِلَى اللَّهِ (تَعَالَى) فِي حَاجَتِي
هَذِهِ

و برای توجه به درگاه او بوسیله شما و به شفاعت شما و به شفاعت
شما بسوی خدا برای برآمدن حاجتم

فَاسْفَعَا لِي فَإِنَّ لَكُمَا عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَ الْجَاهَ الْوَجِيهَ وَ الْمَنْزِلَ
الرَّفِيعَ وَ الْوَسِيلَةَ

پس برای من به درگاه خدا شفاعت کنید که شما را نزد خدا مقام بلند
محمد و آبرومندی رتبه و منزلت رفیع است و وسیله خدایید

إِنِّي أَنْقَلِبُ عَنْكُمَا مُنْتَظِرًا لِتَنْجُزِ الْحَاجَةِ وَ قَضَائِهَا وَ نَجَاحِهَا مِنَ اللَّهِ
بِشَفَاعَاتِكُمَا لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ فَلَا أَخِيبُ

حالیا من از زیارت شما باز می گردم و منتظر برآمدن قطعی حاجتم و رواشدن آن از لطف خدا بواسطه شفاعت شما به درگاه حق در این حاجت هستم پس ای خدا نامید نشوم

وَ لَا يَكُونُ مُنْقَلِبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا حَاسِرًا بَلْ يَكُونُ مُنْقَلِبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا
(راجحاً) مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِ (الْحَوَائِجِ)

و از این سفر زیارت به زیان و حرمان باز نگردم بلکه از آن درگاه کرم با فضیلت و رستگاری و فیروزی و اجابت دعاها و برآورده شدن تمام حاجات باز گردم

وَ تَشَفَّعَ إِلَيْهِ أَنْقَلَبْتُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ

و با شفاعت به درگاه حق برگردم بر آنچه خدا مشیتیش قرار گرفته و هیچ قدرت و نیرویی الا به حول و قوه خدا نخواهد بود

مُفَوِّضًا أَمْرِي إِلَيْهِ مُلْحِنًا ظَهْرِي إِلَيْهِ مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ
کارم را به خدا تفویض می کنم و در پناه حق و یاری او با توکل بر خدا

وَ أَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ كَفَى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَ
وَرَاءَ كُمْ يَا سَادِتِي مُنْتَهَى

پیوسته خواهم گفت که خدا مرا بس و کافی است که خدا هر که او را به دعا بخواند می شنود و مرا جز درگاه و درگاه شما بزرگانم که اولیاء خدایید دری دیگر نیست

مَا شَاءَ رَبِّيْ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

آنچه پروردگارم خواسته وجود یابد و آنچه نخواسته وجود نخواهد یافت و
هیچ حول و قوه ای جز به خدا وجود ندارد

أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ أَخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمَا
من شما دو بزرگوار را اينک وداع می گويم و خدا اين زيارت را آخرين
عهدم به زيارت شما قرار ندهد

اَنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَوْلَايَ وَ اُنْتَ (أَبْتُ) يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا
سَيِّدِي

من بازگشتم اى آقای من اى امير المؤمنین و اى آقای من اى ابا عبد
الله

(وَ) سَلَامٍ يِ عَلَيْكُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيلُ وَ النَّهَارُ وَ اصْلَ ذَلِكَ إِلَيْكُمَا غَيْرُ
(غَيْرَ) مَحْجُوبٍ عَنْكُمَا سَلَامٍ يِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

و سلام و تحييت مadam که شب و روز پيوسته به يكديگرند بر شما باد و
هميشه اين سلام به شما واصل شود و از شما پوشیده و محظوظ
هيچگاه نباشد انشاء الله

وَ أَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمَا أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَ يَفْعَلَ فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَحِيدٌ

و از خدا به حق شما دو بزرگوار مسئلت می کنم که اين هميشه با
مشيت خدا و عنایت الهی انجام یابد که او البتنه خدای بزرگوار ستوده
صفات است

انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمَا تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا رَاجِيًّا لِلْإِجَابَةِ غَيْرِ آئِسٍ وَ
لَا قَانِطٍ

بازگشتم ای آقای من از زیارت شما در حالی که از هر گناه توبه کرده و به حمد و شکر و سپاس حق مشغولم و امیدوار اجابت دعاها می‌نمایم هستم و ابداً مأیوس از لطف خدا نیستم

آئِنَّا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى زِيَارَتِكُمَا غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكُمَا وَ لَا مِنْ (عَنْ) زِيَارَتِكُمَا
که باز مکرر رجوع به درگاه شما و بازگشت به زیارت قبور مطهر شما کنم و هیچ از شما و زیارت قبور مطهرتان سیر نشوم

بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
بلکه مکرر باز بیایم انشاء الله و البته هیچ حول و قوه ای جز به خواست خدا نخواهد بود

إِنَّمَا سَادَتِي رَغْبَتُ إِلَيْكُمَا وَ إِلَى زِيَارَتِكُمَا بَعْدَ أَنْ زَهِدَ فِيْكُمَا وَ فِي زِيَارَتِكُمَا
اًهْلُ الدُّنْيَا

ای بزرگان من به زیارت شما مشتاق و مایل بودم بعد از آنکه اهل دنیا را دیدم به شما و زیارت شما بی میل و رغبت بودند

فَلَا خَيَّبَنِيَ اللَّهُ مَا (مِمَّا) رَجَوْتُ وَ مَا أَمْلَتُ فِي زِيَارَتِكُمَا إِنَّهُ قَرِيبٌ مُحِبٌ
پس خدا مرا از امید و آرزویی که دارم محروم نگرداند و هم از زیارت شما محروم نسازد که او به ما نزدیک است و اجابت کننده دعا است.